

چکیده

شهر به عنوان یک ساختار کالبدی سیما و پیکره‌ای رشد یافته دارد. نگرش حساب شده به رشد و روند توسعه آن به طور مستقیم با حیات شهر و چگونگی فعالیت‌های آن مرتبط می‌باشد و زنده و فعال بودن آن در گرو توجه به اصول و فرضیه‌هایی در زمینه‌ی طراحی شهری است. در این مقاله سعی خواهد شد با تأکید بر نظریه‌ها و مبانی طراحی شهری و تعاریف آن به اصل مهم در شهرسازی پرداخته و در زمینه زیباشناسی شهری و نقش و جایگاه مشارکت مردم به طور اجمال بحث‌هایی آورده شود. لازمه توفیق در امر اجرای طرح‌های شهری داشتن مدیریت منسجم و کارا است که به آن اشاره خواهد شد.

از دهه ۱۹۶۰ توجه به امر طراحی شهری در ارتباط با سیمای آینده شهرها آغاز و پیوسته به عنوان یک عامل اصلی و مهم جای خود را در امر گسترش توسعه فضاهای کالبدی و نوسازی شهرها تثبیت کرده است. واژه‌های کلیدی: ساختار کالبدی- طراحی شهری- استخوان‌بندی- ساختار فضائی- هویت مدیریت توسعه شهری- زیباشناسی شهری

طراحی شهری به مثابه اصلی مهم در سیمای شهر

دکتر هاشم هاشم‌نژاد *

مقدمه

و سیمای کلی آن طراحی شهری در بسیاری از پروژه‌های نوسازی مؤلفه مهمی به شمار می‌آید که به ساختار فضائی و شکل کالبدی آن باتوجه به شناخت و لحاظ تمام معیارها می‌پردازد. هم‌چنین هر طراح شهری وظیفه دارد تا با همکاری کامل و همدلی با سایر رشته‌ها هم‌آهنگی لازم را در محیط شهری از یک فضای شهری گرفته تا کل شهر و حوزه‌ی نفوذ آن ایجاد کند و به اصل کیفیت فضاها و محیط‌ها خواه قابل رؤیت باشد یا با حواس دیگر ادراک شوند یا به صورت ارزش در حافظه و خاطره باقی بماند نیز توجه کرد.

طراحی شهری و سیمای شهر

امر طراحی شهری را باید با تهیه‌ی طرح‌های تفصیلی و طرح‌های خاص دنبال کرد و هر چه زودتر فضاهای شهری را بعد از مطالعه و به صورت فضاهای سه بعدی طراحی کرد. این عمل را باید به‌عنوان سرفصلی جدید در ارائه راه‌حل‌ها و نمونه‌ها و الگوها جدی گرفت و مصادیقی از آن را هر چه زودتر اجرا کرد. اگر این امر به‌عنوان راه حل مقطعی و نمونه‌ای تحقق یابد می‌تواند اهمیت این مسأله را نشان دهد و سبب تسریع در انجام آن شود.

تعریفی که اغلب برای طراحی شهری به کار می‌رود به این صورت است که طراحی شهری به شکل کالبدی قلمرو عمومی در حوزه‌ی کالبدی محدودی از شهر توجه دارد و از این رو بین دو مقیاس کاملاً تثبیت شده از طراحی قرار می‌گیرد یکی معماری که به شکل کالبدی قلمرو خصوصی ساختمانهای منفرد می‌پردازد و دیگری طرح‌ریزی شهری و منطقه‌ای که سازمان قلمرو عمومی را در زمینه‌ای گسترده‌تر مدنظر دارد.

ماهیت فضاهای شهری

توسعه روزافزون ساخت و ساز و گسترش شهرها، بدون تأمل در مبانی و اصول طراحی شهری صورت گرفته است بدین معنی که خیابانها و راسته‌ها و

توسعه روزافزون شهرها بدون توجه به اصل طراحی شهری رشدی بی‌هویت و بی‌معنی را پیدا کرده است و دست‌اندرکاران توسعه شهری سیمای شهرها را به یک ناهماهنگی و ناموزونی سوق داده‌اند. لزوم توجه به امر طراحی شهری و سیمای کلی شهر در امر توسعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این وظیفه شهرسازان و طراحان شهری است که مزیت‌های شهرها را حفظ و تقویت کنند. شهر باید برای همه شهروندان محیطی عادلانه و سهمی مساوی از مزیت‌ها را فراهم کند. طراحی شهری در دوران جدید از حدود ۴۰ سال قبل آغاز و تا به امروز طراحان شهری همچنان در تکامل این اصل مهم در تلاش هستند.

طرح توسعه شهری پس از بررسی کلی تمام زمینه‌ها و مطالعه در حوزه‌های مرتبط و لازم نتایجی کالبدی را به‌عنوان محصول نهایی ارائه می‌دهد که این محصول باید طراحی شود و شکل گیرد. این فرایند از طراحی تا شکل‌گیری به بعد از تهیه طرح توسعه موکول شود. در غیر این صورت طراحی برای یک طرح توسعه از پیش موجود و از پیش تحول یافته عملی و سطحی و تزئینی است و قادر نخواهد بود به شکل‌گیری طرح کمی کند. «وجه طراحی یک محصول باید به موازات دیگر اقداماتی اندیشیده شود که در مجموع فرآیند تهیه طرح را به حرکت در می‌آورند و در نهایت حاصل آن تحقق‌پذیری محصول است. بنابراین طراحی شهری را نباید به یک متخصص خطای شهری سپرد».

در واقع فرآیند همکاری متقابل برای تهیه یک طرح شهری حاصل تفکر مسئولیت‌ها و تخصص‌های مختلفی است که در امری مشترک دخالت دارند. در اصل طراحی شهر یا بخش‌هایی از آن باید جزئی از فعالیت همه تخصص‌هایی باشد که در توسعه شهری دخالت دارند. از برنامه‌ریزی شهری ترافیک و برنامه‌ریزی زیرساخت‌ها و مهندسی گرفته تا طراحی منظر شهری

لزوم حفظ الگوهای منسجم در بافتهای تاریخی به عنوان اقدامی عاجل در طراحی شهری مطرح است. اگر چنین اقدامی صورت دهیم ضمن تجدید حیات کالبد آنها در حفظ و حراستشان به عنوان اسناد تاریخی کوشیده‌ایم این کار راهگشاست و در حل این معضل شهرسازی مفید و مؤثر است و به دنبال آن می‌توان بخشهای عظیم شهر را از مرگ تدریجی نجات داد.

بدین ترتیب فضایی را می‌توان فضای شهری نامید که ماهیت آن با نیازهای امروزی مطابقت داشته و مملو از کنش‌ها و واکنش‌های اجتماعی- فضایی باشد. چنین فضایی در پیوند با استخوان بندی و ساختار اصل شهر به ایفای نقش پرداخته و ویژگیهای شهر را شکل می‌دهد بدین ترتیب فضای شهری اساساً جزئی جدایی‌ناپذیر در ساختار فضایی شهر می‌شود که بنابر شرایط زمانی- مکانی متفاوت رنگ و رخساری گوناگون می‌یابد.

ارزش‌های تاریخی در فضاهای شهری

بسیاری از معماران معاصر علاقه‌مند به حفظ ارزش‌های موجود در بخش‌های تاریخی شهر و کاربرد آنها در طرح جدید خود بوده‌اند. اعتقاد و تداوم در این گفته راب کریربارز است «تاریخ اجازه انقطاع نمی‌دهد. بنابراین، هر آنچه در شهر انجام می‌شود باید به لحاظ شکلی پاسخی به شرایط فضایی از قبل موجود باشد.»

این گفته «راب کریر» زمانی می‌تواند تحقق یابد که هر شهر دارای طرحی جامع که در آن دورنمای آینده شهر ترسیم شده باشد. در شهرهایی که طرح‌های جامع مورد توجه نیستند فرآیند توسعه درونی فضاهای شهری تابع مسایل اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های مقطعی و سودآور افراد سودجو خواهد بود. بدون توجه به تصویر و پرسپکتیو آتی شهر که تنها از طریق طرح‌های جامع و تقضیلی میسر خواهد بود هرگونه توسعه بی‌رویه‌ای در چهره

فضاهای باز شهری و ساختمانها بدون رعایت عوامل لازم در طراحی آنها شکل گرفته‌اند و فضاهای غریبه و تعریف نشده و غیر انسانی ایجاد کرده‌اند. در واقع هر بنا به مثابه عضو کوچکی از شهر باید با محیط هم‌جوار و در نهایت با شکل شهر پیوندی منسجم داشته باشد. توجه به سیمای شهری و سازمان فضایی شهر مستلزم آن است که هر مجموعه فارغ از مقیاس و تعداد الگوهای فضایی دارای جلوه‌های متمایز و انحصاری باشد و با استفاده از توانایی‌های معماری خود معرفی و شناسانده شود.

در طراحی مطلوب شهری لازم نیست که هر تصمیم‌گیرنده‌ای یک تحلیل‌گر حرفه‌ای مسائل طراحی باشد. بلکه باید افراد و متخصصانی که در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیریها نقش اساسی دارند. بدانند که به دنبال چه هدفی هستند و چه چیزهایی را باید مدنظر داشته باشند و برای آنکه به ایجاد فضاها و محیطی منسجم و مطلوب دست یابند چه ایده‌ای را در طراحی چنین مقیاسی دنبال کنند.

متأسفانه در حال حاضر توسعه‌ی معماری بیشتر تحت تأثیر مد روز صورت می‌گیرد. تغییرها و دگرگونیها و ابداع فضاهای و حجم‌ها به سرعت براساس علایق شخصی فرم می‌گیرند. این معماری را که هویت آن را نمی‌توان تعریف کرد، دیر یا زود باید تخریب و دوباره‌سازی کرد، به همین دلیل است که لزوم توجه هر چه سریعتر به انجام مطالعات در زمینه‌ی طراحی شهری به خوبی به چشم می‌خورد.

متأسفانه تاکنون در زمینه‌ی طراحی شهری و توجه به ضرورت آن و نگرش خاص به سیمای شهر، مطالعه‌ی دقیق و اصولی که به یک کار اجرایی پایان یابد انجام نشده است. عدم توجه به این امر مهم باعث شده که بافتهای باارزش یا تاریخی، که از مطلوبیت خاصی برخوردارند، روز به روز بیشتر به خطر بیفتند. رشد و توسعه‌ی ناهمگون و بی‌رویه‌ی شهر به خصوص در مناطق تاریخی و با ارزش، این بافتها را تهدید می‌کند و

در مقابل متغیرهای زمانی و مکانی وحدت هویت خود را از طریق تغییر و تحول درونی خود حفظ می‌کنند و پیوسته باتوجه به نیازهای انسانی در تغییر و تکامل خود پویا هستند. در چنین فضاهای بالارزش شهری فرم، شکل، ساختار و کارکردهای بافت محیط مصنوع پیوسته در طول زمان تکامل می‌یابد.

خاطرات جمعی و تمایلات و ارزش‌های انسانی در کالبد شهر مستتر است و مطالعه کالبد شهر به طور ضمنی مطالعه ارزش‌های انسانی شکل دهندگان آن نیز به شمار می‌رود. فضاهای شهری تنها سند تاریخی به وجود آمدن و ساخت آن نبوده بلکه سند زندگی و داستان انسان‌هایی است که آن را به وجود آورده و در آن زندگی کرده‌اند. در این فرآیند رشد در طول حیات انسان‌ها پیوسته زمینه رشد و دگرگونی کالبد شهر را میسر ساخته‌اند. جسم و کالبد شهر است که نحوه زندگی مردم و جایگاه خاص و تفکر مردم را به‌عنوان سندی زنده و پایدار بازگو می‌کند. فضاهای بالارزش شهری هویت و تداوم و توسعه خود را در عین حال و تکامل حفظ می‌کنند. تاریخ‌گرایان بر این عقیده‌اند که گذشته، برای به وجود آوردن فضاهای شهری کنونی درس‌هایی عجیبی دارد. اگر جامعه‌ای خود را از گذشته جدا کند، تلاش انسان گذشته را بیهوده انگاشته است. انسان، در در یک کلمه طبیعتی ندارد آنچه دارد؛ تاریخ است. تاریخ انسان هرگز نمی‌تواند از ابتدا آغاز شود قطع استمرار تاریخی تحقیر حیات گذشته اوست.

توسعه فضاهای شهری

توسعه روزافزون ساخت و ساز و گسترش اغلب شهرهای ما بدون تأمل در مبانی و اصولی طراحی فضاهای شهری صورت گرفته است. بدین معنی که خیابان‌ها و راه‌های ارتباطی و فضاهای باز شهری و ساختمان‌ها بدون رعایت عوامل لازم در طراحی یک مجموعه منسجم و هماهنگ و توجه به مبانی

فضاهای شهری در شرف ساخت، چهره‌ی کلی شهر را تغییر می‌دهد. توسعه رشد ناهمگون ساخت و سازهای شهری و نبود برنامه‌ای نظیر نظام ساخت و ساز و هدایت و کنترل توسعه شهری یکباره در عرض چند سال چهره هر شهر را در عرصه نظام کالبدی زیر سؤال می‌برد که چگونه بدون توجه به سیاست‌های طرح جامع و بدون توجه به مبانی برنامه‌ریزی و طراحی شهری و نحوه‌ی استفاده از کاربری‌ها و پیش‌بینی تراکم‌ها در طرح جامع یکباره هویت و قطع استمرار تاریخی، سیمای شهرها را رقم می‌زند. بدون شک اعتبار سیمای فضاهای شهری با برقراری ارتباط بین فضاها و عناصر شهری به وجود می‌آید. بدون نگرش کلی و جامع و احاطه بر آن نتیجه طراحی در زمینه سیمای شهر موفق نخواهد بود.

توسعه لجام گسیخته و رشد بی‌برنامه شهرها در مسائل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی سیمای کالبدی شهرها را نیز در بر می‌گیرد. در محدوده سیمای شهر و مسایل کالبدی پیامد تغییرات اجتماعی و اقتصادی قطعی به نظر می‌رسد.

بدون شک ویژگی‌های هر جامعه در تنظیم و ترکیب فضاهای شهری از اولویت خاصی برخوردار است. استفاده از الگوهای شهرهای توسعه یافته نمی‌تواند از معیارهای اصلی در نگرش بر سیمای شهرهای ما باشد. توجه به کیفیت فضاهای شهری در عرصه تخیلی و غیر تخیلی، غیر حرفه‌ای صورت پذیرفته است. در صورتی که بایستی اصل را بر توجه بر عرصه‌های واقعی جست‌و جو کرد.

فضاهای شهری و خاطرات جمعی

فضاهای شهری که در آنها احساس امنیت، حس تعلق و خاطره جمعی و وابستگی احساس شود بدون شک تداوم و تحول خود را بدون از دست دادن هویت خویش ادامه می‌دهند و انسان‌ها نسبت به استمرار حیات روانی خود احساس یگانگی و وحدت داشته و

به هم‌جواری‌ها که می‌باید جزیی از یک مجموعه یکپارچه و هماهنگ باشند به ترکیبی بی‌نظم و آشفته تأکید می‌کند. این شکل ساخت و ساز حاصلی جز آلودگی‌های بصری در سیمای کلی منظر شهری را ندارد. حاصل این‌گونه روش ساخت و ساز و معماری در شهر جز هدر دادن وقت و زمین‌گیر شدن سرمایه و داشتن شهری زشت و بی‌هویت، به دور از سنت، تاریخ، نوآوری و زیبایی چیز دیگری را به ارمغان نمی‌آورد.

زیبایی محیط‌های شهری

نکته مهم در زیباشناسی محیط‌های شهری یا سیمای شهر روحیه و سلیقه فرد ناظر بر محیط اطراف خوداوست. برای ارزیابی نباید آن را جدا از محیط و هم‌جواری‌های مورد ملاحظه قرار داد. اما در طراحی فضاهای عمومی شهری به اثرات عرصه وسیعی از بناها و فضاها می‌اندیشد. از دیدگاه بصری سیمای فضاها در شهر در وهله نخست طراحی فضا محسوب می‌شود. بنابراین تجربه زیباشناسی در طراحی محیط مصنوع به طور بارزی نقش اساسی را خواهد داشت. روابط انتزاعی شکل‌ها و تعریف فضاها و عناصر شهری است که آنها را خوشایند جلوه‌گر می‌سازد. در ارتباط با زیبایی فضاهای شهری ایران که در گذشته ساخته شده است می‌توان به نمونه‌های فراوانی اشاره کرد که از زیبایی‌شناسی جذابی برخوردار بوده است و همیشه در ذهن و یاد بازدید کنندگان باقی می‌مانند. با نگاهی اجمالی به فضاهای شهری نظیر ماسوله و ایبانه می‌توان به خوبی دریافت که فضاهای گذشته از هر لحاظ با دیدی دقیق و ظریف با تمام ضوابط و معیارهای لازم شکل گرفته‌اند. توجه به تناسب‌ها در مقیاس‌های شهری و هم‌آهنگی و هم‌آوایی فضاها و یکدست و خالص بودن مصالح در آن بخوبی دیده می‌شود، به جزئیات و ساخت گوشه‌ها چنان ماهرانه پرداخته شده است. که قابل تحسین هستند.

زیباشناسی محیط‌های شهری شکل گرفته‌اند و فضاهایی ناآشنا و تعریف نشده، بدون توجه به مقیاس انسانی، ایجاد کرده‌اند در صورتی که هر بنا به مثابه عضو کوچکی از شهر باید با محیط هم‌جواری و در نهایت با کل شهر پیوندی منسجم داشته باشد. به طور کلی از سلسله مراتب فضاهای شهری برای آن که بتوان پیوستگی و تداوم و ترکیب‌بندی موزونی را به وجود آورد نگرش خاص به سیمای کلی و آینده شهر ضروری است.

در تعریف فضاهای شهری انواع بدنه‌ها، راسته‌ها، محورها و حجم‌ها، خصلت‌ها و مصادیق خاص خود را دارند. توجه به ویژگی‌ها و ترکیب‌های متنوع‌شان می‌تواند نقش خوشایندی را در سیمای شهری داشته باشد. سلسله مراتب فضایی حرکت و پیوستگی، که در معماری گذشته و بافت‌های قدیمی دیده می‌شود. نمونه‌ی بارز این مفاهیم و مصادیق است. ساختمان‌های جدید باید ویژگی‌های محیط و زمین و فضای پیرامونی خود را تقویت کرده و بهبود بخشند و ضمن رعایت ضوابط و معیارها الگوهای وحدت‌بخش را حفظ کنند.

متأسفانه در عصر حاضر ترکیب فضاهای شهری جدید به صورت قرار گرفتن حجم‌های مجرد هندسی و مستقل از محیطی که در آن ساخته می‌شود شکل گرفته است. هیچ‌گونه ترکیبی با نگرش از کل به جزء و بالعکس به وجود نیامده است. در این مجموعه فضاهای شهری از غنای بنیادی منظر شهری که در معماری گذشته شهرها و دوره‌های قبلی به آن توجه می‌شده است بی‌بهره هستند. احکام طراحی فضاها و سیمای کنونی شهر بر پایه تزیینات و اشکال نامأنوس و فرم‌های بی‌هویت و مصالح وارداتی شکل گرفته است.

سیمای فضاهای شهری و معماری شهرها از یک سیستم قانونمند که بتوانند آنها را هماهنگ کنند پیروی نمی‌کنند هر کدام از بناها به طور مستقل و بدون توجه

توسعه فضاهای شهری پایدار

توسعه فضاهای شهری پایدار می‌بایست سلامت انسان و نظام اکولوژیکی را در بلند مدت بهبود بخشد. توجه خاص به فضاهای باز که به صورت فضاهای سبز شهری در تکمیل فضاهای ساخته شده شکل می‌گیرند از اولویت خاصی برخوردار است. در طراحی فضاهای شهری که بخواند پاسخی مناسب به نیازهای انسانی باشد بایستی علاوه بر تأمین نیازهای مادی به ارزش زیبایی ارتباط بصری و تصورات ذهنی مردم و توقعات آنها نیز توجه کافی کرد. نماهای عمومی میدین و خیابان‌ها و فضاهای باز شهری می‌توانند جزئی از مظاهر زیبایی یک شهر پایدار محسوب شوند. جایگاه طراحی فضاهای باز و بسته شهری فصل مشترک میان معماری و شهرسازی است. عده‌ای عقیده دارند که طراحی این فضاها در جست‌وجوی متحول ساختن سیاست‌گذاری برای طراحی کالبدی شهر است.

ارائه تصاویر ذهنی جالب و ایده‌های متنوع در فضاهای کالبدی و فضاهای باز شهری در رفتارهای اجتماعی و ساختار حیات شهری به سمت و سوی مفید و مؤثر سوق داده خواهد شد. این طرز تفکر و نگرش می‌تواند به برقراری ارتباط بین مردم و فضاهای عمومی و تعامل اجتماعی از طریق دریافت و درک عناصر شهری پویاتر و زنده‌تر کمک کند. بنابراین فضاهای پایدار و باارزش شهری از طریق انتظام عناصر فضاهای شهری و توجه به عملکرد و پیروی از هندسه و الگوهای مناسب با توجه به اصل هم‌جواری و نظام سلسله مراتب شهری شکل می‌گیرد. در این فضاها به دسترسی‌ها و ایجاد محیط‌های گرم و دیدهای چشم‌نواز توجه خاص خواهد شد. انسان که گاه مسلط بر فضا و گاه در زیر سایه فضاهای ساخته شده در حرکت است مقیاس مناسب را برای این‌گونه محیط‌ها تعیین می‌کند. یک طراح شهری ضمن توجه به کلیه احکام و مبانی طراحی باید خصلت‌ها و روش‌های

مردم را در برخورد با الگوها و رفتارها و سلیقه‌های متفاوت در نظر بگیرد.

تنوع بخشی در طراحی کالبدی فضاهای شهری از طریق طراحی‌های متنوع مبلمان شهری و ایجاد سایه و روشن‌ها و نورپردازیهای مناسب در شهر و تنوع فضاها و حجم‌ها و توجه به رنگ و فرم فضاها می‌تواند در ایجاد فضاهای شهری پایدار تأثیرپذیر باشد.

توسعه شتابان بافت‌های شهری در دهه‌های اخیر که به دنبال فروش تراکم‌های بی‌رویه و بی‌ضابطه بنیان فرهنگ معماری و لاجرم فضاهای شهری آن‌چنان لطمه‌های غیرقابل جبرانی زده است که فرهنگ، هویت، شخصیت و چهره شهرها را زیر سؤال برده است. ساختمان‌ها و برج‌های بلندمرتبه و نابه‌جایی که هیچ وقت به قول معروف کهنه و قدیمی (کلنگی) نمی‌شوند و تخریب آنها هم جز هدر دادن سرمایه‌های ملی چیز دیگری را به دنبال نخواهد داشت. در گذشته هرگونه ساخت و سازی براساس تراکم تعیین شده طرح جامع صورت می‌گرفت و احداث ساختمان‌های بلندمرتبه دارای ضوابط خاص بود و مکان معینی را به خود اختصاص می‌داد. متأسفانه شهرهای دیگر کشور دنباله‌رو ساخت و سازهای بی‌رویه تهران شده و ساختن برج‌های بلندمرتبه در فضاهای شهری در شهرهای نظیر یزد، کاشان، شیراز و کرمان ضربه‌ای بر پیکر معماری و فضاهای شهری این شهرها بود که غیر قابل جبران است و هویت و اصالت شهرهای باارزش و کهن ما را زیر سؤال برده و خدشه‌دار کرده است. برای مثال در شمال تهران و فضاهای خوش آیند و خوش منظره و مأنوس با زندگی مردم با آن کوچه باغ‌های سرسبز و دلنشین و ساختمانهای یک الی سه طبقه زیبا و باارزش که هویت و اصالت یک محیط کوهپایه در دامنه البرز را دارا بود به فضای شهری بی‌هویت بی‌تاریخ و بدون گذشته تبدیل کرده است...

نتیجه‌گیری

بدون توجه به اصل طراحی شهری رشد توسعه شهری بی‌هویت خواهد بود. در امر توجه به اصول طراحی شهری فرآیند همکاری متقابل برای تهیه یک طرح شهری حاصل تفکر مسئولیت‌ها و تخصص‌های مختلفی است، که در نهایت به شکل کالبدی، قلمرو عمومی در حوزه کالبدی محدوده‌ای از شهر توجه دارد. امر طراحی شهری را باید تهیه طرح‌های تفصیلی و خاص دنبال کرد که متأسفانه در حال حاضر این توسعه بیشتر تابع و تحت تأثیر سلیقه‌های شخصی در تغییر و دگرگونی‌ها و ابداع فضاهای نامفهوم و بی‌هویت و مدهای روز است. توجه به نظریه‌ها و فرضیه‌های اصول طراحی شهری می‌تواند سرآغاز و توجه طراحان شهری باشد تا سیمای آینده شهرها قدرت پیوند فرم‌های ایده‌آل با مفاهیم و نظریات اصول طراحی شهری را داشته باشد.

در نوسازی و حفظ و احیاء بافت‌های باارزش طراحی شهری نقشی مؤثر و کلیدی داشته که می‌تواند انسجام و پیوستگی فضاها را به پتانسیل‌های بالقوه جهت ایجاد ارزش افزوده در بافت‌های فرسوده شهری به دنبال داشته باشد.

توجه به اصل زیباشناسی شهری در طراحی شهری برای دریافت و لذت بردن از نتایج طراحی شهری و سیمای شهر جایگاهی خاص دارد.

آنچه می‌تواند طرح‌های توسعه شهری را به موفقیت برساند لزوم داشتن مدیریتی در نظام توسعه شهری است که نقشی کارا و کلیدی دارد. باید توجه داشت که بدون مشارکت مردم در طرح‌های توسعه درون شهری و بافت‌های باارزش یا فرسوده توفیق چندانی حاصل نخواهد شد. اعتماد و میل درونی به پشتیبانی از مدیریت شهری توسط مردم به ایجاد فضای دلپذیر شهری منجر خواهد شد.

مراجع

- ۱- Hilde brand به سوی ساختار شهری پایدار ترجمه شهرزاد مهدوی
- ۲- هاشم هاشم‌نژاد: اهمیت طراحی در بافت‌های باارزش (معماری و شهرسازی شماره ۵۹)
- ۳- حمیدی، دکتر ملیحه. استخوان‌بندی شهر تهران، جلد سوم، ۱۳۷۶، معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران
- ۴- کریستوفر الکساندر: تئوری جدید طراحی شهری: ترجمه مهندسین مشاور طاش تهران نشر توسعه ۱۳۷۳

پی‌نوشت‌ها

* دانشیار و عضو هیأت علمی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران

Hashemnejad_h@yahoo.com
hashemnejad@IUST.ac.ir